

چالش‌های جدید در روابط آلمان و آمریکا

در پی تحولات سیاسی در ایالات متحده و روی کار آمدن دولتی مشابه دوران دونالد ترامپ (در یک سناریوی فرضی پس از سال ۲۰۲۴)، آلمان خود را با چالش‌های بنیادینی در روابط فراترانتیک مواجه می‌بیند. سه رکن اصلی این روابط - تجارت، امنیت و ارزش‌های مشترک - تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند. آسیب‌پذیری اقتصادی آلمان در برابر تعرفه‌های تجاری آمریکا (با توجه به سهم ۴ درصدی صادرات به آمریکا در تولید ناخالص داخلی) و وابستگی امنیتی دیرینه‌اش به ناتو و حضور نظامی آمریکا در اروپا (شامل میزبانی نیروها و تسلیحات هسته‌ای)، با تردیدهای جدی درباره تعهدات آینده واشنگتن روبرو شده است. اقدامات و اظهارنظرهایی مانند سیاست‌های خصمانه تلقی‌شده در قبال اوکراین، تمایل به مذاکره با روسیه بدون هماهنگی با اروپا، و اظهارات جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور فرضی آمریکا، در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۵، این نگرانی‌ها را تشدید کرده است. سخنرانی ونس در مونیخ، که در آن دولت‌های اروپایی به سرکوب آزادی بیان متهم شدند و مسائل داخلی اروپا تهدیدی بزرگتر از روسیه یا چین برای دموکراسی خوانده شد، نقطه عطفی در تفکر استراتژیک آلمان بود. انتقاد علنی ونس از نحوه برخورد اروپا با احزاب پوپولیست (مشخصاً حزب AfD آلمان) و دیدار خصوصی او با رهبر این حزب، در برلین به عنوان مداخله در امور داخلی و نقض حاکمیت تلقی شد و زنگ خطر را برای نخبگان سیاسی آلمان به صدا درآورد. این رویدادها پیش‌فرض‌های اساسی درباره همسویی ارزشی و استراتژیک با آمریکا را به چالش کشید.

در پاسخ به این وضعیت، صدراعظم جدید فرضی آلمان، فریدریش مرس، که پیشتر از حامیان روابط فراترانتیک بود، از لزوم حرکت به سمت استقلال راهبردی بیشتر اروپا سخن گفت. این تغییر رویکرد با یک تصمیم‌مالی تاریخی همراه شد: مستثنی کردن هزینه‌های دفاعی (فراز از سقف‌های معمول) از قانون سختگیرانه «ترمز بدی» آلمان. این اقدام پتانسیل آزادسازی منابع مالی هنگفتی را دارد و می‌تواند بودجه دفاعی آلمان را به ۳ تا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی برساند. همزمان، یک صندوق عظیم ۵۴۷ میلیارد دلاری برای نوسازی زیرساخت‌های حیاتی کشور (حمل‌ونقل، انرژی، دیجیتال، آموزش) معرفی شد. این مجموعه اقدامات، که به عنوان دومین «زاین-ون-ده» (تحول دوران ساز) آلمان پس از واکنش به جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ توصیف می‌شود، انتها به محرک اقتصادی، بلکه تلاشی برای ایجاد «انعطاف‌پذیری ژئوپلیتیک» در برابر آمریکای غیرقابل پیش‌بینی است. این تحول دوران ساز دوم، پاسخی به این آگاهی فزاینده است که آلمان شاید مجبور شود در آینده، کمتر به حمایت آمریکانیکه کند.

با وجود این چرخش استراتژیک، آلمان همچنان محتاطانه عمل می‌کند. اسناد رسمی دولت، مانند معاهده اتلافی، بر تعهد به روابط با آمریکا تأکید دارند و از ادبیات جدایی طلبانه پرهیز می‌کنند. سیاست‌گذاران آلمانی نگران تشدید تنش هستند و به دنبال کاهش اختلافات تجاری و مدیریت مسائل امنیتی از طریق گفت‌وگو هستند. مرس همچنان به دنبال کاهش تعرفه‌ها و حتی امکان‌سنجی توافق تجارت آزاد با آمریکا است. در حوزه امنیتی، ضمن پیگیری رایزنی با فرانسه و بریتانیا برای تقویت بازدارندگی اروپایی، گفت‌وگوهای اولیه‌ای نیز با ناتو و واشنگتن برای مدیریت کاهش احتمالی نیروهای آمریکایی در اروپا آغاز شده است. برلین آماده تعامل مجدد با آمریکا است، اما بازگشت به اعتماد و وابستگی گذشته، دیگر ممکن به نظر نمی‌رسد. این تغییرات، آلمان را در برابر یک دوراهی قرار داده است. با پتانسیل تبدیل شدن به سومین اقتصاد بزرگ و یکی از بزرگترین هزینه‌کنندگان نظامی جهان، و با اعتبار خود به عنوان یک قدرت متعهد به نظم بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی، آلمان می‌تواند نقش جهانی برجسته‌تری ایفا کند. اما موانع قابل توجهی وجود دارد: رکود اقتصادی ناشی از هزینه‌های انرژی و رقابت با چین، آسیب‌پذیری تجاری در برابر آمریکا و چین، قدرت‌گیری راست افراطی در داخل، و مهم‌تر از همه، فرهنگ سیاسی محتاط و آکراه تاریخی از پذیرش نقش رهبری یک‌جانبه. در مواجهه با این واقعیت جدید، استراتژی آلمان بر احیای تعمیق مشارکت‌های چندجانبه متمرکز است. اولویت اصلی، دستیابی به انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری از طریق همکاری در چارچوب اتحادیه اروپا، ناتو، و گروه‌های کوچکتر مانند E۳ و مثلث وایمار، و همچنین تقویت روابط با شرکای استراتژیک در سراسر جهان (مانند کانادا، هند، ژاپن، استرالیا) است. آلمان عمیقاً نگران فرسایش نظم بین‌المللی لیبرال توسط سیاست‌های آمریکا است؛ نظمی که خود از آن منتفع شده، اما چون جایگزین بهتری نمی‌بیند، همچنان به دفاع از آن از طریق ابزارهای چندجانبه پایبند است.



محمدحسین لطف‌اللهی
خبرنگار بین‌الملل

تحولاتی که پس از ۱۷ اکتبر در خاور میانه اتفاق افتاد، معادلات سیاسی و نظامی در این منطقه را تا حد زیادی تغییر داد. فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، وارد آمدن ضربه‌های سنگین به حزب الله لبنان و حملات کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده به حوثی‌های یمن باعث شده تا تغییراتی در نگاه بازیگران فعال در منطقه و به‌ویژه ایالات متحده ایجاد شود. به نوشته نشریه نیولاینز، واشنگتن وضعیت جدید منطقه را به عنوان فرصتی می‌بیند که با سپردن فضا به شرکای منطقه‌ای به‌ویژه اسرائیل، آماده خارج کردن نظامیان آمریکایی از خاور میانه شود. در کنار این فرصت‌ها، تهدیدهایی هم وجود دارد. از نگاه آمریکایی‌ها که هنوز تجربه خروج از عراق در سال ۲۰۱۱ و خروج از افغانستان در سال ۲۰۲۱ را به یاد دارند، این امکان مطرح است که با خروج نیروهای نظامی ایالات متحده، شرکای منطقه‌ای این کشور قادر به حفظ منافع آمریکا و برقراری نظم مدنظر واشنگتن نباشند و خلأ پدید آمده، فرصت‌هایی را برای کشورهای نظیر ایران ایجاد کند. همزمان این احتمال نیز وجود دارد که برخی گروه‌های تروریستی نظیر داعش بار دیگر فرصت بیابند با افزایش توان عملیاتی خود منطقه را به آشوب بکشند. بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و تمایل آشکار او برای پایان دادن به مأموریت‌های ضدتروریستی و کاهش نقش نظامی آمریکا در خاور میانه، گمانه‌زنی‌ها را در خصوص احتمال خروج شتاب‌زده آمریکا از عراق و سوریه را افزایش داده است. در سوریه، دولت تحریر الشام توانسته در مناطقی که پیش از تحت کنترل حکومت بشار اسد بودند، حضور خود را تثبیت کند و دمشق از نظر سیاسی گذار آسانی را تجربه می‌کند اما جنوب سوریه اکنون با حملات اسرائیل و حضور نیروهای اسرائیلی مستعد تشدید تنش‌ها و بروز مشکلات جدی است. در شمال و شمال شرق سوریه هم تحرکات داعش نشان می‌دهد هم بازیگران دولتی و هم بازیگران غیردولتی در تلاش برای تعریف نقش‌های جدید برای خود در وضعیت جدید منطقه هستند.

پیشتر در سپتامبر ۲۰۲۴، ایالات متحده اعلام کرده بود که رسماً فرایند پایان دادن به مأموریت نیروهای ائتلاف در عراق برای شکست داعش را آغاز می‌کند. بر این اساس، قرار است تا پایان سال ۲۰۲۶ میلادی، ۲۵۰۰ نیروی آمریکایی از پایگاه‌های مهم منطقه از جمله عین‌الاسد خارج شوند و در فاز اول در مناطقی مثل پایتخت اقلیم کردستان عراق مستقر شوند. همچنین، آمریکا و عراق فرایند ایجاد پایه‌های یک رابطه امنیتی دوجانبه و مشاوره‌ای را آغاز خواهند کرد که بخشی از پرسنل نظامی آمریکایی را در این کشور حفظ خواهد کرد. با نزدیک‌تر شدن خروج نیروهای آمریکایی از عراق آنچه بیش از پیش مبهم به نظر می‌رسد چشم‌انداز امنیتی عراق است. نیروهای نظامی و امنیتی عراق هر چند طی دهه‌های گذشته تحت آموزش نیروهای آمریکایی قرار داشته‌اند اما همچنان بسیاری از کارشناسان در توانایی این نیروها برای در اختیار گرفتن کنترل کامل اوضاع تردید دارند. در این گزارش که بر پایه تحقیقات گسترده نشریه نیولاینز نوشته شده به بررسی توان هر کدام از نیروهای عراقی تأثیرگذار در آینده امنیتی این کشور خواهیم پرداخت.

▼ نیروهای امنیتی عراق (ISF)

برای سنجش توان عملیاتی و اطلاعاتی نیروهای امنیتی عراق منابع قابل اتکای زیادی وجود دارند اما در آخرین گزارشی که در خصوص عملیات عزم‌ارسخ (OIR). عملیات آمریکا علیه داعش - به کنگره ارائه شده، آمده است که نیروهای امنیتی عراق (ISF) به تدریج در زمینه‌های فرماندهی و کنترل، لجستیک و عملیات‌های هوایی پیشرفت کرده‌اند. با این وجود، همچنان مشکلات جدی در اداره این نیروها وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نبود یکپارچگی و هماهنگی میان شاخه‌های مختلف و بی‌اعتمادی عمیق و مشکلات ارتباطی درون فرماندهی عملیات مشترک عراق (JOC-I) اشاره کرد. فرماندهی عملیات مشترک عراق (Joint Operations Command-Iraq یا JOC-I) یک نهاد مرکزی در ساختار نظامی و امنیتی عراق است که وظیفه هماهنگی و مدیریت عملیات نظامی در سطح ملی را بر عهده دارد. این فرماندهی در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد و هدف آن یکپارچه‌سازی تلاش‌های نیروهای امنیتی عراق (ISF)، شامل ارتش، پلیس، و سایر واحدهای امنیتی، برای

عراق پس از خروج

آیا بغداد توان امنیتی لازم برای

فناوری‌های جدید به واحدهای نیروهای امنیتی عراق باعث بهبود نسبی عملکرد آن‌ها در زمینه فرماندهی و کنترل شده اما واقعیت این است که عملکرد این نیروها همچنان تا حد زیادی پایین‌تر از استانداردهای نیروهای ائتلاف است.

مردن‌سازی و تقویت توان انسانی: آمریکایی‌ها پیشرفت عراق در این زمینه را کند می‌بینند. پس از سال‌ها بن‌بست و فلج سیاسی که بودجه نیروهای امنیتی عراق (ISF) را به شدت مختل کرده بود، پارلمان عراق در سال ۲۰۲۳ بودجه دفاعی سه‌ساله‌ای را تصویب کرد که اصلاحات جدیدی را در وزارت دفاع و وزارت کشور در نظر گرفته بود. این بودجه امکان استخدام و بازاستخدام بیش از ۳۷,۰۰۰ نفر را فراهم کرد که نشان‌دهنده افزایش ۵/۸ درصدی در پرسنل ISF است. این تحولات از سوی ائتلاف و شرکای آن مورد استقبال قرار گرفته، زیرا نشان‌دهنده عزم سیاسی بیشتر برای دستیابی به هدف دیرینه بهبود وضعیت و آمادگی نیروهای عراق است؛ با این حال به باور آن‌ها سرعت پیشرفت کافی نیست.

عملیات‌های زمینی، توپخانه‌ای و هوایی: در طول سال ۲۰۲۴، گزارش‌های نیروهای آمریکایی نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی عراق (ISF) توانمندی قابل توجهی در اجرای عملیات‌های زمینی پیچیده و چنبره‌زده علیه هسته‌های خاموش داعش از خود نشان داده‌اند. نیروهای امنیتی عراق تا حد زیادی برای پشتیبانی از واحدها و خودروهای در حال حرکت و اجرای عملیات تهاجمی به ائتلاف بین‌المللی متکی هستند. نیروی هوایی عراق گاهی موفق به انجام حملات مستقل علیه مواضع استقرار داعش شده، اما در تمام مراحل، به‌ویژه در حوزه آموزش شناسایی اهداف برای انجام حملات دقیق، به پشتیبانی ائتلاف نیاز داشته است. این وابستگی ناشی از نبود هماهنگی و فقدان اطلاعات و شناسایی (ISR) از سوی فرماندهی عملیات مشترک عراق (JOC-I) است. این کمبود اطلاعات و پشتیبانی موجب کاهش حملات ضدداعش در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۳ شد، ضمن آنکه شرایط نامساعد جوی نیز منجر به زمین گیر شدن هواپیماهای عراقی گردید. افزون بر این، در طول سال ۲۰۲۳، یکپارچگی میان عملیات‌های هوایی و زمینی با سامانه‌های بدون سرنشین در ISF دچار اختلال شد. در کنار نواقص موجود در ظرفیت نیروی هوایی عراق، پایین بودن آمادگی واحدهای توپخانه‌ای ISF بیشترین نگرانی را در گزارش‌های فصلی ائتلاف ایجاد کرده است. در

مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی، از جمله گروه‌های تروریستی مانند داعش، بود. گزارش آمریکایی‌ها ثابت می‌کند ضعف‌های مورد اشاره در نیروهای امنیتی عراق باعث شده تا این نیروها در زمینه‌های کلیدی مانند کسب اطلاعات، نظارت و شناسایی و ضربه زدن به اهداف به نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا وابسته باشند.

برخی عوامل هم در این زمینه بسیار اثرگذار بوده‌اند. شکاف سیاسی و رفقای فزاینده در عراق به درون نیروهای مسلح این کشور هم راه یافته و برخی رقابت‌ها بر این پایه باعث تضعیف ساختار و عملکرد نیروهای امنیتی شده‌اند. ضمن اینکه تشدید اختلافات میان دولت فدرال و دولت اقلیم کردستان، باعث شده تا همکاری جامع و گسترده‌ای میان آن‌ها برای مقابله با تهدیدهای مشترک شکل نگیرد و فقدان هماهنگی میان آن‌ها محسوس باشد.

اطلاعات، نظارت و شناسایی (ISR): تقویت قابلیت‌های اطلاعات، نظارت و شناسایی (ISR) نیروهای امنیتی عراق (ISF) یکی از محورهای اصلی فعالیت‌های مشاوره‌ای و حمایتی ائتلاف بین‌المللی بوده است. این تلاش‌ها به ISF امکان داده تا اطلاعات عملیاتی تولید کند که به حملات دقیق علیه شبکه‌های داعش در داخل عراق منجر شود. در سال ۲۰۲۴، ISF پیشرفت‌های تدریجی در هماهنگی جمع‌آوری اطلاعات با فرماندهی عملیات مشترک عراق (JOC-I) نشان داد که به آن کمک کرد تا از امکانات خود برای شناسایی اهداف داعش و نظارت بر آن‌ها استفاده کند. پس از گزارش‌های منفی در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۱۹ که نشان می‌داد ISF قادر به «یافتن و تثبیت» اهداف و بهره‌برداری از دشمنان بدون کمک ائتلاف نیست، ائتلاف با ISF همکاری کرد تا قابلیت‌های جمع‌آوری ISR را بهبود بخشد و شبکه‌ای از دوربین‌های حرارتی و پلتفرم‌ها را در اختیار نیروهای امنیتی عراق قرار داد. این بهبودها به نیروهای امنیتی عراق امکان داد تا مجموعه‌ای از حملات هوایی و زمینی مبتنی بر اطلاعات را علیه عناصر داعش در این کشور، به‌ویژه در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۳، انجام دهد.

از سال ۲۰۲۳، نیروی هوایی عراق حملاتی را علیه مخفیگاه‌های داعش در نقاط استراتژیک این گروه تروریستی، بدون کمک ائتلاف انجام داده است. با این حال، گزارش‌های سه‌ماهه نشان می‌دهند که ISF همچنان به شدت به اطلاعات انسانی وابسته است، فاقد پلتفرم‌های میان‌برد و دوربرد برای نظارت است و در انتقال اطلاعات عملیاتی به نیروی هوایی عراق، که همچنان در اجرای حملات دقیق با مشکل مواجه است، ناکام مانده است. نگران‌کننده‌ترین مسئله برای ائتلاف، ناتوانی نیروهای امنیتی عراق در ایجاد یک بخش اختصاصی برای جمع‌آوری اطلاعات، نظارت و شناسایی و تبادل یافته‌ها در میان شاخه‌های مختلف نیروهای نظامی عراق بوده است. ظرفیت برنامه‌ریزی و فرماندهی و کنترل؛ برنامه‌ریزی یکی از عناصر کلیدی در تلاش‌های نیروهای امنیتی عراق (ISF) و آموزش‌های ائتلاف بوده است که به تقویت توانایی ISF برای انجام عملیات زمینی و هوایی علیه داعش و همچنین عملیات‌های ترکیبی گسترده‌تر کمک کرده است. از سال ۲۰۲۳، گزارش‌های سه‌ماهه نشان داده‌اند که برنامه‌ریزی به دلیل فقدان هماهنگی بین‌سازمانی در فرماندهی عملیات مشترک عراق (JOC-I) همواره یک نقطه ضعف در ISF بوده است. علاوه بر این آمریکایی‌ها معتقدند که نیروهای امنیتی عراق ظرفیت لازم برای ارزیابی «عملیات در حال انجام» و اعمال تغییرات در روند عملیات جاری را نداشته‌اند. براساس گزارش‌های سه‌ماهه، تزریق

